

هرمنوتیک متون مقدس

محمد فرجاد

واژه هرمنوتیک (*hermeneutic*) از فعل یونانی هرمنواین (*hermeneutic*) به معنای تفسیر کردن اشتقاق یافته است و اسم مؤنث آن (*hermeneia*) است ۱ و یا چنان که برخی می‌گویند این واژه از کلمه یونانی (*hermeneutikos*) به معنای (مربوط به توضیح)، (روشن شدن و واضح ساختن) و (پرده برداشتن از یک پیام) گرفته شده است.

اصطلاح هرمنوتیک پیوندهای ریشه‌شناختی با هرمس (*hermes*) خدای یونانی، پیام‌آور خدایان و الهه رمزها و مفسر آن دارد. این اصطلاح در زبان عربی به تفسیر معنی می‌شود.

گروهی معتقدند که نخستین کاربرد واژه هرمنوتیک در دوران جدید به متن *J. C. Dannhauser* به نام *hermeneutica sacra* یا هرمنوتیک مقدس که به سال ۱۶۵۴ نوشته شده است باز می‌گردد و در حدود صد سال پس از آن، این اصطلاح در تفسیر عهد جدید ارنستی به کار رفته است: ۲
hermeneutica sacra. n. r. e. p. a. i. s. t. i. c. a. p. ۱۹۶۲. ۳۴p.

این واژه چه به صورت فعل به کار رود و چه به شکل اسم، به یکی از سه معنای زیر خواهد بود:

۱. تفسیر. به معنای وسیع و گسترده آن؛ یعنی کیفیتی که به سبب آن، موضوع مبهمی را واضح و روشن نماییم، به همین جهت هرمس رسول و پیام‌آور خدایان، مفسر آلهه و متکلم از آلهه نامیده شد و براساس همین معنی اهالی لستر، بولس راهرس می‌نامیدند، زیرا او متقدم در کلام بود یا کسی بود که آلهه را تفسیر کرد. ۳ براساس این معنی به کسی که ترجمه می‌کند مفسر نمی‌گویند، بلکه مفسر کسی است که کلام پیچیده و سختی را توضیح می‌دهد و تبیین می‌کند. ۴
۲. ترجمه. یعنی نقل از لغتی به لغت دیگر.

۳. شرح. یعنی بیان و توضیح معنایی مشکل و پیچیده که در عبارت یا معنی به کار رفته است. ۵

اما برخی هرمنوتیک را به تأویل معنی کرده‌اند و در جای جای کتاب خویش بر این معنی تأکید می‌کنند، از تأویل اسماعیلیه و شباهت آن با هرمنوتیک مسیحی سخن به میان می‌آورند و از حکمای اسکندریه به عنوان معلمانی نام می‌برند که مسیحیان از ایشان علم تأویل را آموختند. ۶

ارسطو هرمنیا را به عنوان گشودن رمز تمثیل‌های کهن نمی‌شناخت، بلکه تمامی سخن و دلالت و معنی را در این عنوان جای می‌داد. با نوشته‌های آگوستین، هرمنوتیک چون (علم تأویل) مطرح شد و در اروپای سده‌های میانه نه تنها سخن دینی بلکه تمامی دانش و فلسفه، رنگ تأویل به خود گرفت و روش تأویل به مجموعه متون گسترش یافت و شماری از فیلسوفان به شرح و تأویل اندیشه‌ها و آثار دشوار خویش پرداختند. ۷

(میر چایلیاده) درباره هرمنوتیک می‌نویسد:

(هرمنوتیک به رشته‌ای عقلی باز می‌گردد که به ماهیت و پیش‌فرضهای تفسیر تعبیرات انسانی مربوط می‌شود، پیوند این اصطلاح با (هرمس) انعکاسی از ساختار ذاتاً سه‌گانه عمل تفسیر دارد:

۱. علامت ۲. پیام و یا متن یک منبع که نیازمند تفسیر است ۳. میانجی یا مفسر (هرمس) برای انتقال پیام به مخاطبان.

چنان که بدیهی است این ساختار سه گانه و به صورت فزاینده ای ساده، تلویحاً حاوی مسایل مفهومی عمده ای است که با تأویل گرایبی سر و کار دارد.

۱. سرشت یک متن چیست؟

۲. منظور از فهم یک متن چیست؟

۳. چگونه فهم و تفسیر متن از طریق پیش فرضها، عقاید و اندیشه های دریافت کنندگانی که متن مورد نظر برای آنان تفسیر می گردد روشن می شود.

در این نوشتار مقصود از (هرمنوتیک کتاب مقدس) روش فهم متون مقدس است و به سایر معانی هرمنوتیک که در فرایند رشد هرمنوتیک پدید آمده است نظر نداریم، و مقصود از کتاب مقدس نیز تنها عهد قدیم و عهد جدید نیست، بلکه قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان نیز در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد و نگاهی مقایسه ای به روشهای تفسیری قرآن و عهد جدید و عتیق انجام خواهد گرفت. نخست نگاهی خواهیم داشت به هرمنوتیک سنتی و پس از آن به هرمنوتیک جدید و نظریات مطرح آن می پردازیم.

تفسیر متن به متن

این روش تفسیری یکی از بهترین روشهای تفسیری یا تنها روش صحیح تفسیری خواننده شده است. این روش که از عصر معصومین (ع) مورد استفاده و استناد بوده است، در قرن چهاردهم از استقبال گسترده ای برخوردار شد و مفسرانی چون علامه طباطبایی آن را تنها شیوه بایسته و صحیح تفسیر معرفی کردند. ۸

مفسران قرآن در این روش تفسیری از مبینات برای تفسیر مجملات، از خاص جهت تفسیر عام، از مقیّدات برای تفسیر اطلاقات، از محکّمات در تفسیر متشابهات و از سیاق آیات در تفسیر آیات سود برده اند. ۹

تبیین مجملات به مبینات

(یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود احلّت لکم بهیمه الانعام الا ما یتلی علیکم...)

مائده/۱

ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانها وفا کنید، چهارپایان برای شما حلال شده است، مگر آنچه بر شما خوانده می شود.

در این آیه شریفه، جمله (إلا ما یتلی علیکم) مجمل است و مفسران قرآن برای تبیین آن، از آیه زیر سود می برند.

(حرّم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهلّ لغير الله به و المنخنقة و الموقودة و المتردّية و النطیحة و ما اکل السبع الا ما ذکّیتم و ما ذبح علی النصب و أن تستقسموا بالأزلام...) مائده/ ۲

تفسیر عام به خاص

(والذین یتوقون منکم و یذرون أزواجاً یتربصن بانفسهن أربعة أشهر و عشرأ...)

بقره/ ۲۳۴

و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند او عده نگه دارند.

آیه شریفه درباره عده وفات است و از این جهت که عده وفات زن باردار در آن بیان نشده است، عام نامیده می‌شود، به همین جهت مفسران از آیه شریفه زیر در تفسیر آیه یادشده سود می‌برند و آن را به این آیه تخصیص می‌دهند.

(واولات الاحمال أجلهنّ أن یضعن حملهنّ) طلاق/ ۴

و عده زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند. ۱۰

تفسیر مطلق به وسیله مقید

تفسیرنویسان در تفسیر آیه شریفه (حرمت علیکم المیتة و الدم...) (مائده/ ۳) کلمه دم را که مطلق است و خون داخل بدن حیوان ذبح شده را نیز شامل است، به کمک آیه (إلاّ أن یكون میتة او دمأ مسفوحاً) (انعام/ ۱۴۵) که دلالت بر حرمت خون بیرون ریخته از بدن حیوان دارد مقید می‌کنند. ۱۱

تفسیر متشابه به محکم

یکی دیگر از روشهای تفسیر آیه به آیه، تفسیر متشابهات قرآن با محکّمات قرآن است. برای نمونه آیه (وجوه یومئذ ناضرة. الی ربها ناظرة) (قیامة/ ۲۳ - ۲۴) به کمک آیه محکم (لاتدرکه الأبصار و هو یدرک الأبصار) تفسیر می‌گردد. ۱۲

چنان که در میان مفسران قرآن، تفسیر متن به متن، بهترین روش تفسیری شناخته شده است، در میان تفسیرنویسان کتاب مقدس نیز تفسیر متن به متن، یکی از روشهای معتبر تفسیری به شمار می‌آید، و هر چند این شیوه تفسیری در طول تاریخ هرمنوتیک، فراز و نشیبهایی داشته است، اما به نظر می‌رسد در تمام زمانها از سوی تفسیرنویسان کتاب مقدس مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

اگوستین قدیس از معتبرترین و بزرگ‌ترین حکمای مسیحی و از ادیبان روم (معاصر بهرام گور پادشاه ساسانی) هرمنوتیک متن را یک علم می‌دانست. او هنگامی که وارد کلیسا شد و به سرعت به بالاترین مراتب کلیسا دست یافت، در مباحثاتی که درباب تفسیر کتاب مقدس و مسایل کلامی و عقلی صورت می‌گرفت شرکت کرد. ۱۳

به اعتقاد اگوستین، آشنایی هرمس (مفسر کتاب مقدس) با سه زبان عربی، یونانی و لاتین ضروری است، هرمنوتیک از تمایز معنای نخستین یا گوهری هر واژه با معنای رمزی آن آغاز می‌شود، و در

نامهای خاصی که در کتاب مقدس بیان شده است، معنی های رمزی نهفته است، مثلاً آفرینش جهان در شش روز، رمزی کلیدی است، چنان که هر رقم دیگری که در کتاب مقدس آمده است نشان از واقعیتی ناپیدا دارد.

اگوستین در راستای این اعتقاد، روش و متد درست رمزگشایی کتاب مقدس را استفاده از خود آن کتاب می دانست و بر این باور بود که بایستی به یاری پاره ای از یک متن، راز پاره ای دیگر از آن را کشف کرد. ۱۴ همان روشی که بعدها به تفسیر متن به متن شهرت یافت و در دوران (نه ضت) که یکی از دورانهای تفسیری کتاب مقدس است، دومین قاعده و معیار مشترک میان تمام مصلحان این دوران قرار گرفت. در این عصر، بهترین روش تفسیر آن بود که موافق با ایمان و سازگار با آن باشد، و مقیاس ایمان نیز کتاب مقدس بود، بنابراین تفسیر آیه به آیه یا متن به متن، بهترین روش تفسیری بود. ۱۵ این روش تفسیری در دوران عقلانیت نیز مورد توجه اندیشمندان غربی قرار گرفت. اسپینوزا در این باره می نویسد:

(مفسر کتاب مقدس، باید آیات را زیر عنوان و موضوعات اساسی و در عین حال محدود قرار دهد و با توجه به آیات دیگر کتاب مقدس میان آیات ناسازگار، سازگاری ایجاد کند، و متشابهات و مجملات را با توجه به آیات تفسیر نماید.) ۱۶

تفسیر نویسان کتاب مقدس در استفاده از این روش تفسیری به گونه ای عمل می کنند که مفسران قرآن در پیش گرفته اند، آنها از این روش در جهت هرمنوتیک مجمل به مبین، هرمنوتیک به کمک سیاق و ... سود می برند. و استفاده گسترده ایشان از این روش تفسیری نشان از کارایی و بازده بسیار آن دارد.

برای نمونه به آیه زیر بنگرید:

(غرض این که هر یک از شما می گوید من از پولس هستم و من از اپلس و من از کیفا و من از مسیح...) ۱۷

در این آیه واژه اپلس مجمل است و مراد پولس، نویسنده آیه از این لفظ روشن نیست. به همین جهت میلر در تفسیری که از این رساله ارائه می دهد، برای تبیین مراد پولس از آیات کتاب (اعمال رسولان) که یکی از نوشته های کتاب مقدس است سود می برد و در پرتو آن آیات واژه (اپ لس) را تبیین می کند. او می نویسد:

(پس از آن که پولس از قرنتس خارج شد، (اپلس) که از اهالی اسکندریه و از دانشمندان و فصحا به شمار می رفت جایگزین او شد و در کلیسا خدمات بسیاری انجام داد و ایمانداران را تقویت و یهودیان بی ایمان را مجاب ساخت.) ۱۸

آیاتی که میلر مورد استفاده قرار داده و در تبیین واژه مجمل از آن سود برده عبارتند از: (اما شخصی یهودی به نام اپلس از اهالی اسکندریه که مردی فصیح و در کتاب توانا بود، به افسس رسید. او در طریق خداوند ترتیب یافته و در روح او سرگرم بود و درباره خداوند به دقت تکلم و تعلیم می نمود، هر چند از تعمید یحیی اطلاع نداشت.) ۱۹

نمونه دیگر آیه زیر است:

(اما پیش از این که عیسی مسیح به آسمان رود، به وسیله قدرت روح پاک خدا دستورات بیش تری به شاگردان خود داد.) ۲۰

در این آیه واژه (دستورات) مجمل است و روشن نیست که عیسی (ع) چه دستوراتی به شاگردان خود داده است.

مفسر کتاب (اعمال رسولان) با روش تفسیر متن به متن، این واژه را با استفاده از آیاتی از (انجیل لوقا) تفسیر می کند و این آیات را بیانگر و تبیین کننده دستورات می شناساند. ۲۱
(این پیغام نجات بخش باید از اورشلیم به تمام ملت‌ها رسانده شود: تمام کسانی که از گناهان خویش دست بکشند و به سوی من بازگردند گناهان ایشان بخشیده می شود * شما دیده اید و شاهدید که پیش گویی‌ها واقع شده است * و همان طور که پدرم خدا وعده داد، من روح پاک خدا را بر شما می فرستم، پس این پیغام نجات بخش را هنوز به دیگران نرسانید، بلکه در همین شهر اورشلیم باقی بمانید تا روح پاک خدا بیاید و شما را با قدرت آسمانی پر کند.) ۲۲

نمونه دیگر: (اتکینسون) یکی از مفسران برجسته کتاب مقدس، در تفسیر آیه (و شلمون، بوعز را از راحاب آورد و بوعز، عوبید را از راعوت آورد.) ۲۳ برای روشن کردن واژه (راحاب) و این که این واژه نام چه کسی است، از آیه ای در عهد قدیم سود می برد. او می نویسد: (راحاب، زنی اجنبی، فاسد و شریر بود.) ۲۴ و این سخن خود را مستند به آیه زیر می سازد:

(و یوشع بن نون، دو مرد جاسوس از شطیم به پنهانی فرستاده گفت روانه شوید و زمین و اریحا را ببینید، پس آنها به خانه زن زانیه که راحاب نام داشت رفتند و در آن جا خوابیدند.) ۲۵
نمونه دیگر: نویسنده کتاب (تفسیر کتاب اعمال رسولان) در تفسیر آیه (چون روز پنطیکاست رسید همه با هم در یک جا بودند) ۲۶ که از آیات عهد جدید از کتاب مقدس است، واژه پنطیکاست را مجمل می بیند و در تبیین آن از آیات (سفر پیدایش) که از نوشته های عهد قدیم است سود می برد. آن آیات عبارتند از:

(در هر سال، سه مرتبه عید برای من نگه دار * عید فطیر را نگاه دار و چنان که تو را امر کرده ام در زمان معینی از ماه ایب، هفت روز نان فطیر بخور، زیرا در آن زمان از مصر بیرون آمدی و هیچ کس به حضور من تهی دست حاضر نشود * و عید حصاد، نوبر غلات خود را که در مزرعه کاشته و عید جمع را در آخر سال، وقتی که حاصل خود را از صحرا جمع کرده * در هر سال سه مرتبه همه ذکورات به حضور خداوند یهوه حاضر شوند.) ۲۷

مفسر کتاب اعمال رسولان در این باره می نویسد:

(پنطیکاست یکی از اعیاد سه گانه بزرگ یهود بود، این واژه در یونانی به معنای (پنجاهم) به کار می رود، زیرا در روز پنجاهم پس از روز اول عید فصح نگهداشته می شود. و در تورات، سفر خروج، به (عید هفته ها) نامیده شده است، زیرا این فاصله ۴۹ روزه از ضرب هفت در هفت به دست می آید.

این عید، در سفر خروج، باب بیست و سوم، آیه شانزدهم، (عید حصاد)، و در سفر اعداد، باب بیست و هشتم، آیه بیست و ششم، (روز نوبرها) نام گرفته است، زیرا این عید، علامت و نشانه پایان برداشت گندم بوده است. طرز نگهداری آن این گونه بوده که نان قربانی هایی را به خدا تقدیم می

کرده اند. این روز، روز مقدس بوده است و در آن روز هیچ کاری صورت نمی گرفته است و تمام افراد ذکور بنی اسرائیل موظف بودند در بیت المقدس جمع شوند و عید را در اورشلیم نگه دارند، چنان که مناسب بود قربانی ما یعنی عیسی، در مدت عید فصح کشته شود، همان طور که سزاوار بود که افاضه روح و اولین اجتماع بزرگ ایمانداران در روز پنطیکاست واقع گردد... و بسیار نیکوست که پنطیکاست را روز شکل گیری کلیسای مسیح بدانیم. این عید از سوی مسیحیان اولیه با شادی و خوشحالی بسیاری به پا داشته می شد. همه با هم در یک جا جمع می شدند. ص د و بیست نفر برادران با سایر مؤمنانی که برای عید پنطیکاست به اورشلیم آمده بودند، در طبقه فوقانی جمع شده و به دعا مشغول می شدند... (۲۸

تفسیر با استفاده از سیاق

یکی دیگر از روشهای تفسیر متن به متن، تفسیر آیه به کمک سیاق است در این روش تفسیری مفسر با توجه و عنایت به سیاق، (مضمون اصلی آیه یا یک پاراگراف) آیات را تفسیر می کند. برای نمونه در تفسیر واژه (سلامتی) در آیه (اما اگر بی ایمان جدایی نماید، بگذار او جدا شود، زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست، و خدا ما را به سلامتی خوانده است) ۲۹ مفسر رساله پولس، دو نظریه و دیدگاه بیان می کند و یکی از دو نظریه را به جهت همخوانی با سیاق می پذیرد.

۱. برخی تصور می کنند این کلمه (سلامتی) دلیلی است برای جدایی (یعنی جدایی مرد یا زن مسیحی از همسر خود) چنان که پولس این جدایی را اجازه داده است. برابر این تفسیر، اگر فردی مسیحی به همسر غیرمسیحی خود علاقه داشته باشد و نخواهد به زور با او زندگی کند، ولی همسر او حاضر به زندگی نباشد، نتیجه زندگی آنها چیزی جز خصومت و دعوا نیست. بنابراین برای آن که مسیحی در صلح و صفایی که خدا او را به آن فراخوانده زندگی کند، بایستی به همسر خود اجازه جدایی بدهد.

۲. در برابر این تفسیر، برخی دیگر از مفسران می گویند: هر چند در مواردی جدایی و طلاق اجتناب ناپذیر است، ولی اراده خداوند آن است که زندگی زناشویی از هم نپاشد و برای حفظ این اتحاد، زن و شوهر بایستی نهایت تلاش و کوشش خود را به کار برند. مفسر آیه یادشده می گوید: تفسیر دوم با سیاق آیه سازگاری بیش تری دارد؛ زیرا در سیاق این آیه چنین آمده است. ۳۰

(دیگران را من می گویم (نه خداوند) که اگر کسی از برادران، زنی بی ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد با وی زندگی کند، می تواند با او به زندگی ادامه دهد، و اگر زن با ایمانی شوهر بی ایمان دارد و به او علاقمند است، او نیز می تواند با شوهر خود زندگی کند و از او طلاق نگیرد.) ۳۱

تفسیر عقلی

عقل یکی از منابع مهم در تفسیر قرآن خوانده می شود و آیات و روایات بسیاری بر حجیت آن وجود دارد.

تفسیر عقلی عبارت است از تفسیر آیات به کمک عقل و دلایل عقلی، این روش تفسیری نخستین بار در اواخر قرن اول هجری از سوی قتاده مورد استفاده قرار گرفت و با پیدایش معتزله در نیمه قرن دوم هجری و عنایت شدید معتزلیان به این روش، برخی از تفاسیر شکل عقلی گرفت.

در این روش مفسر آیاتی را که با عقل و براهین عقلی ناسازگاری دارند تفسیر مجازی می کند. برای نمونه زمخشری در تفسیر آیه (و کلم الله موسی تکلیماً) که درباره کلام خداست، نخست به حکم عقل، سخن گفتن خداوند را به صورت مستقیم، از محالات به شمار می آورد و سپس با توجه به این باور و اندیشه آیه را تفسیر مجازی می کند، او می نویسد:

(فاعل در آیه شریفه موسی(ع) است بنا به این موسی(ع) با خدا سخن می گفت نه خدا با موسی.)

۳۲

شیخ طوسی و بسیاری دیگر در تفسیر آیه شریفه (یدالله فوق ایدیهم) (فتح/ ۱۰) که به ظاهر دلالت بر جسمانیت خداوند دارد، به ناگزیر به تفسیر عقلی آیه رو می آورند و در تفسیر آیه دیدگاه های گوناگونی نقل می کنند:

عده ای می گویند: مراد از (ید) عقد است، به این معنی که پیمان و عقد خداوند بالاتر از عقد ایشان است، زیرا در عقد با خدا، آنها به بیعت با پیامبر، با خدا بیعت می کنند.

گروهی معتقدند: ید به معنای قدرت خداوند در یاری پیامبر است، به این معنی که قدرت خداوند و یاری پیامبر بالاتر از یاری شماس است.

بعضی می گویند: مراد از کلمه (ید) عطیه و نعمت است، یعنی نعمت خدا بر مسلمین که یا ثواب است و یا توفیق بیعت، بالاتر از نعمت و خدمت و بیعتی است که آنها با تو کرده اند. ۳۳

تفسیر عقلی در میان مفسران کتاب مقدس نیز کاربرد فراوان دارد و از گذشته ای دور مورد استفاده ایشان قرار داشته است. در مدرسه اسکندریه که اولین مدرسه تفسیری کتاب مقدس خواننده می شود، (اوربجانوس) شاگرد اکلمیندس از معتقدان جدی این روش تفسیری شناخته می شد.

او می گوید: مفسر کتاب مقدس، پیش از آن که کتاب مقدس را تفسیر کند، بایستی مرکز متن را شناسایی کند. مثلاً بداند که کتاب مقدس، وحی است و پس از این شناسایی بایستی کتاب را با توجه به دلایل و مشکلات زیر تفسیر مجازی کند.

۱. یک: در کتاب مقدس از کلمات و واژه هایی استفاده شده که بر جسمیت خداوند دلالت دارد و خدا را به بشر تشبیه می کند مانند: (وجه الله)، (یده) و... واگر این گونه آیات، تفسیر مجازی نشوند تفسیر درستی از آیه ارائه نشده است.

دو: برخی قصه های کتاب مقدس، اگر تفسیر مجازی نشوند غیراخلاقی به شمار خواهند آمد، مانند قصه مستی نوح(ع)، ازدواج لوط با دختران خویش و...

سه: برخی مطالب، از امور ناممکن به شمار می آید، چون دیدن عالم در یک لحظه توسط مسیح. چهار: ناسازگاری بعضی از آیات با بعض دیگر.

به باور اوريجانوس اگر آيات كتاب تفسير مجازى شوند، جسميت خدا، قصه هاى غيراخلاقى، باورهاى ناممکن از آيات استفاده نخواهد شد و آيات با يکديگر ناسازگار نخواهند بود.

۲. كتاب مقدس در صدد بيان حوادث و رخدادهاى تاريخى نيست، بلکه مى خواهد حقايق پايدار را بازگو کند، بنابراین اشکالات تاريخى بر کتاب وارد نيست و حوادث کتاب مقدس هرگز رخ نداده و رخ نخواهد داد، ولى وحى آنها را ذکر کرده است. و با تفسير مجازى مى توان به واقعيت مت ن دست يافت.

۳. كتاب مقدس به رمز نوشته شده ومعانى آن از الفاظ و واژگان آن قابل استفاده نيستند، بنابراین بايستی با تفسير مجازى آن معانى را به دست آورد. ۳۴

دلایل اوريجانوس و ساير طرفداران تفسير مجازى از سوى بسيارى از مفسران كتاب مقدس پذيرفته شده و آنان را در شمار طرفداران تفسير مجازى قرار داده است تا آنجا که در دوران وسطى (از قرن ششم تا هشتم ميلادى) در حدود دو قرن، تفسير مجازى بيش ترين کارآيى را داشته است.

تفسير مجازى هر چند در طول تاريخ تفسير عهد قديم و جديد، فراز و نشيبهاى داشته و گاه به صورت گسترده مورد استفاده قرار مى گرفته و گاه مفسران، توجه کمترى به اين روش داشته اند، اما به جهت ويژگيهاى كتاب مقدس در تمام دورانهاى تفسيرى حتى جديدترين دورانها مانند دوران عقلانيت، کاربرد و کارآيى خود را نشان داده است.

برای نمونه کريستى ويلسن در تفسير (رساله به عبرانيان) برخى از آيات را با روش تفسير مجازى تفسير مى کند. او در تفسير آيه (لکن او چون يک قربانى براى گناهان گذرانيد، به دست راست خدا بنشست تا ابد الابد) ۳۵ و آيه (پس مقصود عمده از اين کلام اين است که براى ما چ نين رئيس کهنه هست که در آسمانها به دست راست کبريا نشسته است) دست را به دست جسمى معنى نمى کند و آن را کنايه از قدرت مى داند. او مى نويسد:

(مجملى معنای اين عبارات، حکومت مطلقه و تسلط تامه مسيح است، نه فقط در اين دنيا بلکه در هر دو دنيا.) ۳۶

همو در تفسير آيه (افتادن به دست خداى زنده چيز هولناکى است) ۳۷ بدون توجه به واژگان و الفاظ و محتوای آيه مى نويسد:

(در اين آيه عبرت مهمى براى ما ذکر شده است. در واقع اگر در معنای اين آيات دقت و تأمل کنيم در مى يابيم که اين آيات چندان سخت و شديدالحن مى باشند که هيچ آيه ديگرى به اين شدت و سختى در انجيل پيدا نمى شود. ما نبايد فقط عنايت و محبت خدا را در نظر بگيريم، بلکه علاوه بر اين بايستی عدالت خدا را نيز همواره در نظر داشته باشيم.) ۳۸

ميلر مفسر ديگر كتاب مقدس در تفسير انجيل يوحنا بر كسانى که به ظاهر آيات توجه دارند و در پى فهم درست آيه يا آيات نيستند مى شورد.

مسيح گفت: (من هستم آن نان زنده که از آسمان نازل شده، اگر کسى از اين نان بخورد تا به ابد زنده خواهد ماند، و نانى که من عطا مى کنم جسم من است که آن را به جهت حيات جهان مى بخشم.) ۳۹

و یهودیان در برابر او گفتند: (چگونه این شخص می تواند جسد خود را به ما بدهد). ۴۰

میلر به این برداشت یهودیان اشکال می کند و آنان را ناهم می خواند:

(ریزه خوانی یهودیان اینک مبدل به جار و جنجال و قیل و قال می گردد و با هم راجع به گفتار عیسی شروع به بحث و مشاجره می کنند، بعضی از شنوندگان عیسی نیز مانند نیکودیموس با همان فقدان فهم و ادراک روحانی که درباره تولد تازه به عیسی گفته بود، و این امور چگونه م ممکن است انجام گیرد، گفتار عیسی را همان گونه تحت اللفظی تلقی کرده، می گویند: چگونه این شخص می تواند جسد خود را به ما بدهد تا بخوریم.)

نویسنده تفسیر انجیل یوحنا در تفسیر این آیه از روش تفسیر مجازی سود می برد. او می نویسد: (مصلوب شدن عیسی وسیله حیات و سلامتی برای نوع بشر می شود. هنگامی که او به صلیب کشیده شد مردم بسوی او می آیند و ایمان می آورند و چنان که نان، پیش از خورده شدن تکه تکه می گردد جسم عیسی نیز توسط میخها و نیزه پاره پاره شد، تنها به وسیله مرگ او ممکن است حیات او در دسترس انسان قرار گیرد، ولی هنگامی که بر روی صلیب رفت، آن گاه تمام مردم را به سوی خویش مجذوب می سازد. عیسی در عشاء ربانی به طور مجاز خود را به ما می دهد، آنجا که درباره نان می گوید: بگریید و بخورید، این است بدن من که برای شما داده می شود. او مرد تا ای ن که ما در مرگ او دارای حیات جاودانی باشیم، حیات بخششی است مجانی که به ما داده می شود، ولی برای عیسی خیلی گران تمام شده است). ۴۱

میلر مفسر انجیل یوحنا در تفسیر سخن عیسی (آمین آمین به شما می گویم اگر جسد پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید در خود حیات ندارید) چندین دیدگاه تفسیری بیان می کند و در پایان دیدگاهی را می پذیرد که براساس تفسیر مجازی شکل گرفته است. او می نویسد:

(بعضی می گویند عیسی با این جمله اشاره به عشاء ربانی ندارد، بلکه به صورت رمز و کنایه می خواهد بگوید که لازم است شخص به وسیله ایمان او را در دل خود جای دهد، در آیه ۴۷ عیسی افزود: (هرکس به من ایمان آورد حیات جاودانی می یابد) پس منظور از خوردن جسد مسیح و آشامیدن خون او همانند ایمان آوردن است و هر دو یک مفهوم دارد، وقتی که به او ایمان می آوریم به نحوی که وی وارد دل ما می گردد و حیات او از آن ما می شود در آن صورت او را خورده و نوشیده ایم و دیگر تشنه و گرسنه نمی شویم). ۴۲

تفسیر ظاهری

ظاهرگرایی یا تفسیر ظاهری آیات، از گذشته ای دور میان مسلمانان و بویژه مفسران قرآن وجود داشته است و طیف گسترده ای از فرقه های اسلامی به شکلی به این شیوه تفسیری گرایش داشته و دارند. فرقه هایی چون اشاعره، ظاهریه، ماتریدیه و... در شمار فرقه های ظاهرگرا قرار دارند. براساس این روش تفسیری، مفسر، خود را به ظاهر آیات متعبد می بیند و آیات را هر چند به ظاهر بر جسمانیت خداوند و گناهکار بودن انبیا و... دلالت داشته باشد تفسیر ظاهری می کند.

برای نمونه: آیه شریفه (وجوه یومئذ ناضرة. الی ربها ناظرة) (قیامت / ۲۲ - ۲۳) به ظاهر دلالت بر امکان رؤیت خداوند دارد و بایستی در شمار آیات متشابه قرار گیرد و با توجه به آیات محکم قرآنی تفسیر گردد، اما مفسرانی که ظاهرگرا خوانده می شوند و از طرفداران تفسیر ظاهری به شمار می آیند، این آیه را چنان که ظاهرش دلالت دارد تفسیر می کنند و از آن برای اثبات عقاید خویش سود می برند.

فخررازی می نویسد:

(جمهور اهل سنت با استدلال به این آیه می گویند: خداوند در آخرت توسط مؤمنان دیده می شود.) ۴۳

مراغی نیز در تفسیر آیه می نویسد: مؤمنان بدون هیچ مانع و حجابی به پروردگار خود نگاه می کنند... و در پایان می افزاید: مدلول این آیه و ظاهر آن همان چیزی را می گوید که احادیث صحیح و متواتر بر آن دلالت دارد، یعنی دیده شدن خداوند در قیامت. ۴۴

آلوسی مفسر بزرگ و برجسته اهل سنت نیز با اعتقاد به امکان رؤیت خداوند، در تفسیر آیه با پذیرش دیدگاه ابوحنیفان می نویسد:

(مؤمنان در قیامت به پروردگار می نگرند و غرق در مطالعه جمال او می شوند به گونه ای که از غیر او غافل می گردند و خدا را آن گونه که سزاوار است مشاهده می کنند.) ۴۵
همو در موارد دیگری از تفسیر خود درباره رؤیت خداوند مطالبی می گوید که هیچ صاحب اندیشه ای آن را نمی تواند باور کند.

ظاهر برخی از آیات قرآن دلالت بر گناهکار بودن پیامبران دارد، مانند آیه ۲۴ سوره یوسف و آیه ۸۲ سوره شعراء... در نگاه برخی از فرقه های اسلامی ظاهر این آیات بایستی به گونه ای توجیه گردد، زیرا این ظاهر با مسأله عصمت پیامبران که از اصول خدشه ناپذیر مذهبی خوانده می شود ناسازگار است، اما تعدادی از فرقه های اسلامی و طرفداران آن فرقه ها به ظاهر آیات عمل می کنند و خود را ناگزیر از تأویل نمی دانند، برای نمونه در تفسیر آیه (والذی أطمع أن یغفر لی خطیئتی یوم الدین) (شعراء / ۸۲) که به ظاهر دلالت بر خطاکار بودن ابراهیم(ع) دارد، عده ای می گویند منظور از خطیئه، سه گناه و دروغی است که آیات و روایت زیر به آنها اشاره دارد:

(قالوا أنت فعلت هذا بالهتنا یا ابراهیم. قال بل فعله کبیرهم) انبیاء / ۶۲ - ۶۳

(فنظر نظرة فی النجوم. فقال انی سقیم. فتولوا عنه مدبرین) صافات / ۸۸ - ۹۰

قال ابراهیم: (انها) (ساره) اختی) ۴۶

نشانه های ظاهرگرایی و تفسیر ظاهری آیات از گذشته ای دور در نوشته ها و مدرسه های تفسیری کتاب مقدس به چشم می خورد. در مدرسه انطاکیه که دومین مدرسه تفسیری کتاب مقدس است، تنها روش معتبر تفسیری، تفسیر ظاهری بود و تمامی اصحاب این مدرسه آیات را براساس این روش تف سیر می کردند.

در مدرسه غربی نیز که میان روش تفسیری مدرسه اسکندریه (تفسیر مجازی) و روش تفسیری مدرسه انطاکیه (تفسیر ظاهری) به گونه ای جمع شده بود، مفسران گاه از روش تفسیر ظاهری سود

می بردند و گاه به تفسیر مجازی می پرداختند. برای نمونه (جیروم) نخست سفر یوئیل را تفسیر مجازی کرد، اما پس از مدتی تفسیر ظاهری را بر تفسیر مجازی ترجیح داد. در طول تاریخ تفسیر، ظاهرگرایی به صورت محدود و گسترده مورد استفاده مفسران قرار داشته است و مفسران بسیاری کتاب مقدس را به این شیوه تفسیر کرده اند، برای نمونه میلر مفسر انجیل یوحنا در تفسیر بعضی آیات، به ظاهر آیات تعبد و پایبندی نشان می دهد و به همین جهت در تأویل آیاتی که در نگاه عده ای از مسیحیان غیراخلاقی خوانده می شود، علاقه ای به تفسیر مجازی از خود نشان نمی دهد.

در انجیل یوحنا چنین می خوانیم:

(در روز سوم در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی (مریم) نیز در آن جشن شرکت داشت و عیسی و شاگردان او نیز به آن مجلس دعوت شده بودند. چون شراب مجلسیان به پایان رسید، مادر عیسی به عیسی گفت: شراب ندارند... عیسی به نوکران گفت، شش قدح سنگی را پر از آب کنید و به ایش ان گفت از این شراب برای رئیس مجلس ببرید، وقتی صاحب مجلس آب را که شراب گشته بود نوشید... (۴۷

تبدیل آب به خمر، اولین معجزه عیسی(ع) خوانده شده است، ولی این معجزه که عملی غیراخلاقی به نظر می رسد، مورد قبول میلر قرار گرفته و او بی آن که خود را نیازمند تفسیر مجازی ببیند به تفسیر ظاهری آیه می پردازد. ۴۸

(ولیم بارکلی) مفسر (انجیل مرقس) در تفسیر آیاتی که به ظاهر با حکم الهی، عرف و عادت ناسازگار است، نخست حکم آیه را با توجه به سایر آیات استفاده می کند و یا واژه ای را که موهم این ناسازگاری است به گونه ای معنی می کند که برداشت عامیانه نباشد، مثلاً در آیه (و یحیی را لباس از پشم شتر و کمر بند چرمی بر کمر می بود و خوراک وی از ملخ و عسل بری) ۴۹ نخست حکم خوردن ملخ را در صورتی که برداشت ما از این واژه همان ملخ معمولی و حشره معروف باشد از آیه (از حشرات چهار پا بخورید ملخ به اجناس آن، و دبا به اجناس آن، و حرجوان به اجناس آن، و جندب به اجناس آن) ۵۰ سود می برد و پس از آن می نویسد:

(احتمال دارد مراد از (جراد) نوعی از بقول (سبزیجات) باشد که اسم آن (کاروب) است و آن طعام فقرا و مساکین است.)

او درباره عسل بری می نویسد:

(احتمال دارد همین عسل معروف مراد باشد و یا مراد عصاره درختان است که از آنها خارج می شود.) ۵۱

هرمنوتیک جدید

هرمنوتیک کتاب مقدس در دوران عقلانیت، شکل جدیدی به خود گرفت و عقل به عنوان معیار و ملاک تفسیر بایسته و حاکم بر کتاب خوانده شد. توماس هابز، اسپینوزا و شلایرماخر - از منادیان

اصلی این اندیشه خواننده می شوند و دیدگاه ها و آثار ایشان، بیش ترین توجه مفسران و زبان شناسان را به خود جلب کرده بود.

اسپینوزا

باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲ - ۱۶۷۷م) در یک خانواده یهودی در آمستردام هلند دیده به جهان گشود.

۵۲

اسپینوزا که تربیت اولیه اش از مطالعه تورات و تلمود شکل گرفته بود و با سنت یهودی تربیت شده بود ناسازگاری خویش را با الهیات سخت و تفسیر یهودیان از کتب مقدس نشان داد. در نتیجه در سال ۱۶۵۶ در سن ۲۴ سالگی تکفیر شد و از اجتماع یهودیان طرد گردید. ۵۳ او در شمار عارفان عقل گرا قرار گرفت که اساس اندیشه ها و تفکرات خویش را بر اصول دکارتی قرار داده بودند و پس از دکارت بزرگ ترین فیلسوف عقلی بود.

آثار و نوشته های اسپینوزا حکایت از آن دارد که او از نقادان اولیه کتاب مقدس بوده است. وی از جمله کسانی است که در هرمنوتیک کتاب مقدس، روش تفسیری خویش را با پیش فرض خود در ارتباط می دید.

مفسران کتاب مقدس، شیوه تفسیری خویش را با توجه به پیش فرضها و نظریات خود درباره کتاب مقدس بر می گزینند. این مفسران از جهت پیش فرضهای تفسیری به دو گروه تقسیم می شوند.

۱. گروهی کتاب مقدس را سخن خدا و مطالب و موضوعات آن را حقیقی می دانند و هیچ گونه ناسازگاری آیات با یکدیگر را باور ندارند.

۲. عده ای دیگر کتاب مقدس را مجموعه ای از نوشته های بشری می دانند و میان آنها و سایر نوشته ها تفاوتی نمی نهند.

دسته نخست می گویند: در تفسیر کتاب مقدس هیچ نوع ناسازگاری آیات با یکدیگر را نباید پذیرفت و آیاتی که به ظاهر با یکدیگر ناسازگارند بایستی با حمل بر معنای مجازی، سازگار جلوه داده شوند. افزون بر این بایستی معنای متن و آیات را با یاری گرفتن از اندیشه های ارسطو و افلاطون ثابت کرد، زیرا همه آیات کتاب مقدس در بردارنده حقیقت است و بنابراین باید معنای آنها را با آنچه از طریق فلسفی می توان دریافت، منطبق نمود.

این روش تفسیری که از گذشته ای دور مورد استفاده گسترده مفسران قرار داشته و براساس اعتقاد به وحیانیت کتاب مقدس شکل گرفته است در نگاه اسپینوزا قابل اعتماد نیست، زیرا به باور او معنای مجازی بسته به دلخواه و میل مفسر است و آنجا که جمله ای دو یا چند معنای مجازی دارد معیار و ملاکی برای ترجیح یکی بر دیگری وجود ندارد. افزون بر این، شیوه تفسیری یادشده با الهیات عقلی ناسازگار می نماید. ۵۴

مخالفت اسپینوزا با روش تفسیری مفسران که معتقد به وحیانیت عهدین می باشند، در حقیقت نشان از عدم پذیرش پیش فرض آنها دارد، به این معنی که اسپینوزا وحی بودن کتاب مقدس را باور

ندارد. او در همین بحث و در موارد بسیار دیگری وحی بودن عهدین را زیر سؤال می برد و حتی در مواردی پیشنهاد می کند کتاب مقدس مانند سایر نوشته های بشری تفسیر شود.

براساس اندیشه اسپینوزا روش تفسیر کتاب مقدس با شیوه تفسیر امور طبیعی یکسان است؛ چنان که در تفسیر امور طبیعی مفسر از مسلمات و یقینیات به عنوان پایه و اساس سود می برد و اشیاء طبیعی را تعریف می کند، در تفسیر کتاب نیز نخست باید شناخت تاریخی قطعی و مسلم برای مفسر حاصل شود. پس از آن مفسر برداشتی بایسته و مشروع از فکر و اندیشه نویسندگان کتاب مقدس بسازد و تفسیری صحیح ارائه کند.

به باور اسپینوزا مفسر برای دستیابی به تفسیری بایسته، باید قواعد و نکات زیر را به صورت کامل رعایت کند:

۱. آشنایی با خصوصیات لغت و قواعد دستوری زبانی که کتاب یا رساله به آن زبان نوشته شده است. برای مثال اگر مفسر درصدد تفسیر عهد قدیم است، باید لغت عبری و ویژگیهای آن را بداند و اگر می خواهد عهد جدید را تفسیر کند، افزون بر زبان و لغت یونانی، آشنایی مفسر با زبان عربی نیز ضروری می نماید، چه این که در عهد جدید از تعبیرات واژگان عربی بسیار استفاده شده است.

۲. در تفسیر کتاب مقدس، مفسر باید آیات را با عنوان و موضوعات اساسی و در عین حال محدود آنها در نظر گیرد و سپس میان آیات ناسازگار، متشابه و مجمل، سازگاری ایجاد کند. البته این سازگاری، ضروری است که براساس لغت و استدلالهای برخاسته و برگرفته از کتاب مقدس باشد و تنها متکی بر عقل نباشد. اگر مفسر می خواهد عبارت (الله ناری) یا (الله غیور) را تفسیر کند باید عقل و بدیهیات عقلی را به هیچ روی در تفسیر دخالت ندهد، بلکه با توجه به سایر آیات تفسیر کند و ناسازگاری آنها را از میان ببرد.

۳. شناخت ویژگیهای نویسنده هر کتاب، مانند اخلاق، انگیزه، هدف، زبان و لغت نویسنده و زمان و عصر وی و بررسی تاریخی آن برای مفسر ضروری است. هر اندازه اطلاعات و دانسته های مفسر در این زمینه ها بیش تر باشد تفسیر وی از کتاب از ضریب اطمینان بیش تری برخوردار خواهد بود.

۵۵

۴. اصل کلی این است که مفسر نباید هیچ مطلبی را درباره محتویات کتاب مقدس بپذیرد، مگر آنچه را به روشنی و وضوح از متن به دست می آید.

۵. آنچه برای مفسر در درجه اول اهمیت قرار دارد آن است که درستی معنی را با حقیقت محتوا درنیامیزد، او باید تنها به معنای جمله ها توجه کند و از انطباق جمله با حقیقت بپرهیزد.

۶. بررسی کتابهای منسوب به پیامبران، ضروری است. افزون بر این شناسایی کسانی که این کتابها به آنها رسیده و افرادی که به دستور ایشان این کتابها در شمار کتاب مقدس قرار گرفته اند اجتناب ناپذیر است. ۵۶

برخی از قواعد و معیارهایی که اسپینوزا برای تفسیر بایسته کتاب مقدس بیان کرده است در حقیقت همان شرایطی است که قرآن پژوهان برای مفسر ذکر می کنند. برای نمونه قاعده اول اسپینوزا همان لزوم آشنایی مفسر با علم نحو، صرف، لغت، معانی و بیان است که در کتابهای علوم

ق رآنی و تفاسیر، شرط تفسیر بایسته معرفی شده است، و بعضی از قواعد نشان از روش تفسیری دارد.

شرط دوم اسپینوزا عبارت است از جمع کردن آیات عهدین، زیر عنوان موضوعات مشخص و محدود و ایجاد سازگاری میان آنها با توجه به آیات... این شرط همان روش تفسیری متن به متن است، در این روش تفسیری مفسر چنان که قرآن پژوهان می گویند آیاتی را که در یک موضوع با یکدیگر ناسازگارند در کنار یکدیگر قرار می دهد و سپس آیاتی را که متشابه به نظر می آیند با کمک آیات محکم تفسیر می کند و به این ترتیب ناسازگاری آیات را از میان می برد و یا آیاتی را که مجمل و مبین هستند در کنار یکدیگر می گذارد و سپس آیات مجمل را با کمک آیات مبین روشن می سازد. هرچند روش تفسیری اسپینوزا و نتایج آن، توجه هر فیلسوفی را به نبوغ و استعداد او و کارآیی روش وی رهنمون می سازد، اما با این حال در مقام تفسیر، مشکلات فراوانی فرا روی اسپینوزا قرار می گیرد. البته این احتمال دور از ذهن نیست که اسپینوزا و کسانی چون او، در تفسیر متون مقدس و شیوه ها و شرایط آن، از آرای مفسران مسلمان در زمینه تفسیر کتاب الهی الهام گرفته باشند، زیرا این گونه آرا و نظریه ها پیشینه ای دراز در تفسیر قرآن دارد و اگر احتمال تأثیرپذیری یکی از دیگری باشد، مفسران کتاب مقدس می توانسته اند از مفسران قرآن نکته هایی را وام گیرند.

بیک. در روش پیشنهادی اسپینوزا شناخت تام و کامل لغت عبری ضروری است در صورتی که چنین شناختی ناممکن است، زیرا از لغت عبری چیز قابل توجهی برجای نمانده است. تقریباً تمامی نامه های میوه ها، طیور و... از میان رفته است.

دو. مشکلات و متشابهات کلام عبری بسیار است:

۱. برخی از حروف، جایگزین برخی دیگر شده اند مثلاً: (ال) به جای (عل) قرار گرفته و یا (الی) جایگزین (علی) شده است.

۲. معانی حروف عطف و کلماتی که دلالت بر زمان دارند، بسیار و گوناگون است و هیچ نشانه و دستوری نیز برای تشخیص معنی وجود ندارد. برای نمونه (واو) در این معانی مورد استفاده قرار می گیرد: و، لکن، لأن، مع، ذلک، حینئذ و... و (کی) در این معانی: لأن، مع آن، اذا، عند ما، مثلما، آن و... .

۳. صیغه های اخباری و مصدری و انشایی دلالت بر زمان ندارند؛ نویسندگان از فعل مستقبل برای زمان حاضر و گذشته سود می برند، بدون آن که معیاری برای شناخت این افعال از یکدیگر ارائه کنند.

ج. دشواری دستیابی به ویژگیهای نویسندگان عهدین و علت نوشتن و زمان نوشتن و تاریخ نسخه برداری و... بویژه با توجه به این که مسیحیان در مورد نویسندگان کتاب مقدس اختلاف نظر عمیقی دارند چنان که در مورد تاریخ نگارش کتب مقدس و تمام مسائلی که مربوط به کتب مقدس است. اخ تلاف مسیحیان بسیار گسترده است. برای نمونه عده ای انجیل های چهارگانه را نوشته حواریون عیسی (ع) می دانند و برخی آنها را نوشته افرادی می خوانند که به جهت منزلت یافتن نوشته خود، آن را به نام حواریون عیسی (ع) منتشر کرده اند.

هرمنوتیک شلایر ماخر

شلایر ماخر بنیان گذار هرمنوتیک جدید خوانده می شود. به اعتقاد وی هرمنوتیک، نظریه ای فلسفی است که به صورت عام و فراگیر روش تفسیر متون را بیان می کند و اختصاص به متون کهن نداشته، کتاب مقدس را نیز دربر می گیرد.

پیش از اسپینوزا هرمنوتیک عبارت از فقه اللغه متون کلاسیک بویژه متون قدیمی یونانی و لاتینی و تفسیر و کشف کتاب مقدس بود. ۵۷ و مفسران در مورد تفسیر قدسی و دنیوی و در شیوه های تفسیری عهد جدید و قدیم با یکدیگر اختلاف داشتند.

همین اختلاف مفسران در شیوه های تفسیری و تفاوت تفسیر قدسی و دنیوی، شلایر ماخر را برآن داشت تا هرمنوتیک جدید را پایه گذاری کند و معیارها و ملاکهایی برای تفسیر و روش تفسیر بیان کند، تا مفسران دیگر اختلاف نکنند و همگی از یک روش و قانون پیروی کنند، اما برخی می گویند، تدوین دستور و یک نظریه فراگیر برای تفسیر متون و فهم محال است و برای یک تفسیر بایسته فهم کامل کاربرد واژه ها کافی است.

برنامه هرمنوتیکی شلایر ماخر، هم نشان از فلسفه انتقادی دارد و هم نشان از فلسفه رمانتیک. نشان از فلسفه انتقادی دارد، زیرا او در آرزوی وضع قانونها و دستورهای همگانی و فراگیری برای فهم بود. و حکایت از فلسفه رمانتیک دارد، زیرا فهم یک نویسنده و تصویربرداری او از یک متن پیچیده، رمانتیک خوانده می شود. ۵۸ ماخر با این دو نگرش، هرمنوتیک دستوری و هرمنوتیک عینی یا روان شناختی و فنی را عرضه کرد.

هرمنوتیک دستوری درباره مشخصات و ویژگیهای گفتاری مشترک میان یک فرهنگ است، یا به عبارت دیگر هرمنوتیک دستوری درباره شاخصه های گفتار و انواع عبارتها و صورتهای زبانی - فرهنگی است که مؤلف در آن زندگی کرده و تفکر و اندیشه وی را متعین ساخته و شکل داده است. در این هرمنوتیک، دو عنصر مهم وجود دارد.

عنصر اول: تأویل دقیق یک گفتار، جز در گستره زبان شناسی مشترک میان نویسندگان و مخاطب امکان پذیر نیست.

عنصر دوم: معنای هر واژه در یک جمله یا یک عبارت در ارتباط با واژگانهای دیگر همان جمله و عبارت فهم پذیر است.

عنصر نخست، ارتباط مؤلف و مخاطب او را ممکن می سازد و عنصر دوم ارتباط و پیوند درونی میان واژگان یک زبان را آشکار می نماید. هرمنوتیک فنی یا روان شناختی به نبوغ نهفته در پیام نویسنده و ذهنیت خاص وی توجه دارد. ۵۹

در نگاه شلایر ماخر نمی توان از هرمنوتیک دستوری و فنی با هم در فهم متون سود برد، چه این که توجه به زبان مشترک که همان هرمنوتیک دستوری است، مفسر را از توجه به هرمنوتیک فنی یعنی توجه به نویسنده و شناخت و فهم خصوصیات وی باز می دارد. و از سویی توجه به هرمنوتیک فنی که هدف واقعی هرمنوتیک است، مفسر را از هرمنوتیک دستوری باز می دارد. یا بایستی عنصر

مشترک را درک کنیم و یا عنصر ویژه را، و نمی توان هر دو را با هم درک کرد. ۶۰ هر چند شلایرماخر و اگوست بک هرمنوتیک فنی را به عنوان ابزاری برای شناخت می دیدند و آن را موضوع شناخت نمی دانستند.

به اعتقاد ماخر، هرمنوتیک، نسبی است نه مطلق؛ او می گوید، بد فهمی و ادراک ناکامل و ناکافی در کنش شناخت، امری طبیعی است که در آغاز هر شناخت رخ می نماید، چه این که در طول زمان و با گذشت سالها و قرنها، معنای واژگان مانند جهان بینی ها تغییر می یابد و مفسر هر چه پیش تر از نویسنده فاصله می گیرد؛ این فاصله گرچه طبیعی و معمولی است، اما به گونه ای است که پیمودنی نبوده و مفسر نمی تواند مسیر طولانی آن را بپیماید. از همین رو مفسر باید شرایط تاریخی متن و زمان شکل گیری آن را شناسایی کند و تنها در این صورت هرمنوتیک، دقیقی، نقادانه و با ارزش خواهد بود.

آنچه در هرمنوتیک شلایرماخر و مقایسه آن با شرایط و شیوه های تفسیری در خور توجه است آن است که بخشی از سخنان و دیدگاه های شلایرماخر در حقیقت همان شرایط و ضوابط تفسیری است که قرآن پژوهان و مفسران قرآن برای تفسیر بیان کرده اند.

هرمنوتیک دستوری در نگاه شلایرماخر، همان آشنایی مفسر با ویژگیها و دستورهای زبان عربی است، شرایطی که مفسران به صورت چندین شرط یاد کرده اند، مانند صرف، نحو، معانی، بیان، لغت و... ولی ماخر با یک عنوان کلی آورده است، البته مباحث زبان شناسی در هرمنوتیک شلایرماخر وجود دارد و شاید ریشه های زبان شناسی در آن است، اما این مباحث هنوز در میان مفسران اهمیت خود را نیافته است.

اما هرمنوتیک فنی در تفسیر قرآن بر خلاف کتاب مقدس کاربرد ندارد، زیرا این نوع هرمنوتیک در مورد کتابها و نوشته هایی است که وحی خوانده نمی شوند، اما در کتابهایی که وحی بوده و از سوی خداوند نازل شده این مباحث در خور توجه و طرح نیستند و چون به باور شلایرماخر که پایه گذار الهیات اعتدالی است کتاب مقدس وحی منزل نیست. ۶۱ و به دست بشر نوشته شده است، سخن گفتن درباره ذهنیت نویسنده معنی و مفهوم دارد، اما درباره خداوند، هرمنوتیک روان شناختی چیزی جز گراف گویی نیست. افزون بر این، اصل هرمنوتیک فنی نیز، خود محل اشکال است. البته از این جهت که شلایرماخر قانونمندی هرمنوتیک را پذیرفته است، میان او و مفسران و قرآن پژوهان اتفاق نظر وجود دارد، چه این که قرآن پژوهان نیز تفسیر را دارای ضابطه و قاعده می دانند و تفسیری را بایسته و دقیق می شمرند که با قواعد و شرایط تفسیری انجام پذیرف ته باشد، نهایت این که آنچه تفسیر نویسان به عنوان قواعد و شرایط تفسیری می شناسند بسیار بیش تر از آن شرایط و قواعدی است که شلایرماخر می گوید، برای نمونه (زرقانی) دانشهای زیر را برای ارائه تفسیر قرآن، بایسته می داند.

لغت، نحو، صرف، علوم بلاغت، علم اصول فقه، علم توحید، اسباب نزول، قصص، ناسخ و منسوخ،

حدیث، انسان شناسی و ... ۶۲

به عقیده (شلایرماخر) کشف نیت مؤلف ضروری نیست و بایستی تمام زندگی مؤلف مورد بررسی قرار گیرد، تا آنجا که اطلاعات و معلومات مفسر درباره مؤلف بیش از خود مؤلف گردد، در صورتی که در نگاه تفسیرنویسان، آنچه بیش از هر چیز در تفسیر اهمیت دارد و مفسر باید در پی آن باشد، دستیابی و بارشناسی انگیزه مؤلف است و در اصل، تفسیر در اصطلاح قرآن پژوهان این گونه تعریف شده است: (تفسیر، علمی است که درباره دلالات قرآن بر مراد و مقصود خداوند به اندازه توان بشری بحث می کند). ۶۳

همین اندیشه (شلایرماخر) و دیدگاه خاص وی در مورد نیت مؤلف، نشانگر تفاوت هرمنوتیک جدید و کهن است. در هرمنوتیک کهن، معنای اصلی و نهایی متن باور شده است. بنابراین هرمنوتیک هر متنی که از نوشته های بشری خوانده می شود معنایی دارد که مراد ذهن نویسنده بوده است و کشف نیت مؤلف هر چند هم دشوار باشد، ناممکن نیست. در مقابل آن نوشته هایی که به خواست و دستور خداوند سامان یافته است معنای باطنی دارد که کشف آن برای مخاطبان ناممکن می نماید، هر چند معنی های ظاهری آن را می توان دریافت.

هرمنوتیک گادامر

(هانس جورج گادامر) از جمله اندیشمندانی است که در کنار (شلایرماخر) و (ویلهم دیلتای)، هرمنوتیک جدید را پایه ریزی کرد. او با نوشتن کتابی با عنوان (حقیقت و روش) بر تأثیر پیش فرضها و پیش فهمها بیش از هر کس دیگری پافشاری کرد، به اعتقاد او فهمیدن بدون پیش فرضها و اندیشه های مفسران امکان پذیر نیست و پیش داوری ها و پیش فهمها از فرایند فهم متون جدایی ناپذیر است، ۶۴ به همین جهت (گادامر) هیچ تأویل و تفسیری را قطعی و درست نمی داند. و تمام تفاسیر و تأویلهای را برخاسته از تعصب و پیش فرضهای مفسر می داند، زیرا هر مفسری که به سراغ متنی می رود، برای خود باورهایی دارد و از همان دیدگاه خاص خودش متن را تفسیر می نماید و منشأ اختلاف تفاسیر، همین استناد تفسیرها به پیش فرضها، انتظارات و پرسشهای مفسر است.

نتیجه دیگری که (گادامر) از مطرح کردن بحث پیش فرضها می گیرد این است که کشف نیت و قصد مؤلف یا عصر او برای مفسر اهمیت ندارد، زیرا آنچه به تفسیر شکل می دهد و مفسر را ناگزیر از دنباله روی می کند همان اندیشه ها و اعتقادات اوست نه نیت مؤلف. زیرا متن، تجلی ذهنیت مؤلف نیست، بلکه تنها بر پایه گفت و گویی میان مفسر و متن، هستی و واقعیتش را باز می یابد.

۶۵

و درست به جهت همین مسأله پیش فهمها (گادامر) برخلاف (شلایرماخر) معنای نهایی، قطعی و اصلی متن را باور نداشت و آن را با روشهای مختلف تفسیری و پیش فرضها متعارض می دید. مسأله انتظار از متن، پرسشهایی که مفسر در پی پاسخ به آنهاست، از دیگر اصول هرمنوتیک (گادامر) خوانده می شود. براساس این اصول، هر مفسری با انتظاراتی خاص، به سراغ متن می رود و با سؤالاتی که به گمان او متن به آنها پاسخ می دهد، متن را می کاود و تفسیر می کند.

تنها زمانی می توان متنی را شناخت که از پرسش هایی آگاهی یافته باشیم که متن باید به آنها پاسخ دهد). ۶۶

اصول هرمنوتیک (گادامر) در نگاه برخی از قرآن پژوهان و مفسران قرآن پذیرفتنی نیست؛ آنها می گویند: نه تنها تفسیر قرآن بدون پیش فرض و انتظار امکان پذیر است، بلکه بایستی هر کسی که می خواهد قرآن را تفسیر کند بدون پیش فرض و پیش فهم خاص به سراغ قرآن برود. در برابر این گروه، عده ای دیگر با تأیید و تقلید از اصول هرمنوتیک گادامر و دیگران پنج مسأله زیر را از مقدمات و مقومات تفسیر می خوانند:

۱. پیش فهم یا پیش دانسته مفسر (دور هرمنوتیکی).

۲. علایق و انتظارات هدایت کننده مفسر.

۳. پرسشهای وی از تاریخ.

۴. تشخیص مرکز معنای متن و تفسیر متن به عنوان یک (واحد) بر محور آن مرکز.

۵. ترجمه متن در افق تاریخی مفسر.

این عده درباره مقدمه اول می گویند:

(برآمدن شناخت جدید چه از گونه فهمیدن و چه از گونه تبیین، همیشه بر یک پیش فهم و پیش دانسته استوار می گردد و با بکارگیری آن آغاز می شود و بدون آن ممکن نیست. هیچ دانشمند یا مفسر یا نویسنده ای نمی تواند افکار و شناختههای خود را از عدم به وجود آورد و به آنها شکل و سامان دهد. هر کس از آنچه می خواهد درباره آن بیش تر بداند، یک دانسته مجمل یا بسیار مجمل پیشین دارد. اگر درباره یک موضوع هیچ اطلاع قبلی موجود نباشد، هیچ خواست و علاقه ای هم برای فهم یا تبیین آن به عنوان یک عمل ارادی به وجود نمی آید و هیچ فهمی و تبیینی صورت نمی پذیرد، با مجهول مطلق هیچ نسبتی نمی توان برقرار کرد و هیچ گونه خواست و علاقه ای برای فهم و تبیین آن نمی توان داشت. فهم و تبیین درجایی معنی پیدا می کند که از طرفی درباره موضوع چیزی می دانیم و از طرف دیگر می دانیم که همه چیز را درباره آن نمی دانیم). ۶۷

در تبیین و توضیح مقدمه دوم می نویسد:

(علایق و انتظارات مفسر که وی را به سؤال کردن از متن و فهمیدن آن وا می دارد، از مقدمات و مقومات فهم متن است... انسان هر پرسشی را که از روی علاقه و انتظار خاص مطرح می کند و این علاقه و انتظار با پیش دانسته های وی که مقومات سؤال وی هستند سازگار است. سؤال، همیشه مسبق به علاقه و انتظار است.

اگر انسان به فهمیدن یک متن متمایل نباشد، برای تفسیر آن نمی کوشد، تفسیر متن مانند هر عمل ارادی دیگر، از علاقه ای ناشی می شود و به منظور رسیدن به هدفی انجام می گیرد. این هدف نمی تواند مجهول مطلق باشد و باید از آن دست کم یک تصور اجمالی داشت.

هدف شخصی که می خواهد یک متن فلسفی را تفسیر کند، غیر از هدف شخصی است که می خواهد یک متن تاریخی را بفهمد، اولی در صدد یافتن پاسخ برای پرسشهای فلسفی است که کلی اند و دومی در صدد دریافت پاسخ برای پرسشی است که جزئی است و به یک حادثه تاریخی مربوط

است و اینها د و گونه هدف متفاوت هستند... و در تفسیر متون نیز آنچه مورد انتظار است رسیدن به هدفی است که از پیش تصور شده است... اهمیت تنقیح پیش دانسته ها و سؤالات و علایق و انتظارات برای تفسیر درست متون دینی، بیش از اهمیت آنها برای تفسیر متون دیگر است. متون دینی درباره معنای هستی و سرنوشت انسان سخن می گویند و تنقیح پیش دانسته ها و سؤالات و علایق و انتظارات مربوط به تفسیر این اسرار هزار تو و پیچیده، کاری بسیار دشوار و طاقت فرساست و استعداد ویژه ای لازم دارد). ۶۸

نویسنده محترم در توضیح اصل (پرسش از تاریخ) می نویسد:

(این کار عبارت است از جست و جوی آنچه پدید آورنده متن بیان کرده و می خواسته مخاطبان آن را بفهمند. در این مرحله است که باید با تحقیق تاریخی درستی چندین مسأله از این قبیل را روشن کرد: کدامین علایق و انتظارات، مؤلف را به پدید آوردن متن سوق داده است؟ او در کدامی ن وضعیت و شرایط تاریخی سخن گفته است؟ وضعیت و شرایط تاریخی مخاطبان وی چگونه بوده است؟ داده ها و امکانات زبانی وی برای گفتن و نوشتن چه بوده است؟ این پرسشها را تنها با روش تحلیل تاریخی می تواند پاسخ داد، تحلیلی که باید بی دریغ و با کمترین مداخله انجام گیرد.) ۶۹

نتیجه

اشکالها و انتقادهایی که بر هرمنوتیک گادامر وارد است و بسیاری از آنها در نظریه تفسیری او نیز وجود دارد بر پیروان گادامر و اصول هرمنوتیک وی نیز وارد خواهد بود. اولین اشکال نظریه (گادامر) نوعی نسبی گرایی است. او براساس نظریه خود و تأثیر پیش فهمها و پرسشها و انتظارات، خود را نسبی گرا معرفی کرده است، چنان که خود وی نیز تأثیر پیش فرضها و سؤالات و انتظارات مفسر را باعث قطعی نبودن تأویل و تفسیر متون می خواند. هر مفسری که متن را تفسیر می کند، تفسیر او در راستای پیش فرضها و انتظارات و برداشتهای خود او از متن می باشد.

دومین اشکال نظریه گادامر آن است که وی براساس اصول هرمنوتیکی خود هیچ تفسیر و تأویلی را درست نمی داند.

سومین اشکال هرمنوتیک گادامر، بی توجهی به نیت مؤلف و صاحب متن است، چه اینکه به اعتقاد وی آنچه به تفسیر شکل می دهد همان پیش فرضها است نه نیت و مقصود صاحب کتاب، در صورتی که آنچه در تفسیر قرآن مورد توجه است و تمام مفسران در پی آن می باشند، دستیابی به مقصود و مراد صاحب کتاب است.

اشکال دیگر هرمنوتیک گادامر، ضابطه مند نکردن پیش فرضها، سؤالات و انتظارات است. آیا می توان با هر پیش فرضی و هر انتظار و سؤالی به تفسیر متن پرداخت؟ آیا یک فیزیکدان می تواند با انتظارات خاص خودش و با اندیشه های فیزیکی به تفسیر کتابهایی بپردازد که در زمینه فیزیک نوشته نشده است یا خیر؟

و آیا کسانی که طرفدار اصول هرمنوتیک گادامر هستند، متوجه این نکته بوده اند که ضابطه ای برای پیش فرضها و انتظارات یاد نکرده اند.

البته در نگاه مفسران انتظارات و پیش فهمهای خاصی نهفته هستند، اما باید توجه داشت که آن انتظارات و پیش دانسته ها می بایست مورد پذیرش سایر مسلمانان و یا دست کم اندیشمندان مسلمان باشند و با هدف متنی که مفسر می خواهد آن را تفسیر کند سازگار باشند، که تنها در این صورت است که مفسر به تفسیر به رأی کشیده نخواهد شد و قرآن را بر باورها و اندیشه های شخصی خود تطبیق نخواهد داد.

۱. میرچا الیاده، هرمنوتیک، ترجمه محمود تقی زاده، داوری، معرفت، ۸۴/۲۲؛ فهیم عزیز، علم التفسیر / ۹

۲. احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، ۴۹۶ / ۲.

۳. فهیم عزیز، علم التفسیر / ۹.

۴. همان.

۵. همان / ۱۰ - ۱۱.

۶. احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، ۴۹۷ / ۲.

۷. همان، ۴۹۶ / ۲.

۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۱۲ / ۱.

۹. طوسی، محمدبن حسن، التبیان، ۴۱۶ / ۳.

۱۰. صادقی، محمد، الفرقان، ۹۷ / ۴.

۱۱. آلوسی، محمود، روح المعانی، ۵۷ / ۶.

۱۲. صادقی، محمد، الفرقان، ۲۸۵ / ۲۹.

۱۳. آلبرت آوی، سیر فلسفه در اروپا، ترجمه علی اصغر حلبی / ۳۲۱.

۱۴. احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، ۵۰۲ / ۲.

۱۵. فهیم عزیز، علم التفسیر / ۸۱.

۱۶. عویضه، کامل محمد محمد، الاعلام من الفلاسفة، اسپینوزا / ۱۵۰.

۱۷. کتاب مقدس، عهد جدید، رساله اول پولس به قرنتیان، فصل / ۱، آیه / ۹.

۱۸. میلر، کلیسای خدا در جهان یا تفسیر رساله اول پولس به قرنتیان / ۱۵ - ۱۶.

۱۹. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل لوقا، فصل / ۲۴، آیه ۴۷ - ۴۹.

۲۰. همان، فصل / ۱، آیه ۲.

۲۱. میلر، تفسیر کتاب اعمال رسولان / ۴ - ۵.

۲۲. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل لوقا، فصل / ۲۴، آیه ۴۷ - ۴۹.

۲۳. همان، انجیل متی، فصل / ۱، آیه ۵.

۲۴. اتکینسون، تفسیر الكتاب المقدس، ۱۴ / ۵.

۲۵. کتاب مقدس، عهد قدیم، صحیفه یوشع، فصل ۲، آیه ۱.
۲۶. کتاب مقدس، عهد جدید، اعمال رسولان، فصل ۲، آیه ۱.
۲۷. کتاب مقدس، عهد قدیم، سفر پیدایش، فصل ۲۳، آیه ۱۴ - ۱۷.
۲۸. میلر، تفسیر کتاب اعمال رسولان / ۲۰ - ۲۱.
۲۹. کتاب مقدس، عهد جدید، رساله اول به قرنطیان، باب ۷، آیه ۱۵.
۳۰. میلر، کلیسای خدا در جهان / ۱۳۹ - ۱۴۰.
۳۱. کتاب مقدس، عهد جدید، رساله اول پولس به قرنطیان، باب ۷، آیه ۱۲ - ۱۳.
۳۲. زمخشری، جارالله، الکشاف، ۱ / ۵۹۱.
۳۳. طوسی، التبیان، ۳۱۹ / ۹؛ طباطبایی، محمد حسین، ترجمه المیزان، ۱۸ / ۴۱۰ - ۴۱۱.
۳۴. فهیم، عزیز، علم التفسیر / ۵۲ - ۵۴.
۳۵. کتاب مقدس، عهد جدید، رساله به عبرانیان، فصل ۱۰، آیه ۱۲.
۳۶. کریستی ویلسن، تفسیر رساله به عبرانیان / ۱۶ و ۹۶ و ۷۷.
۳۷. کتاب مقدس، عهد جدید، رساله به عبرانیان، فصل ۱۰، آیه ۳۱.
۳۸. کریستی ویلسن، تفسیر رساله به عبرانیان / ۱۰۱.
۳۹. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل یوحنا، فصل ۶، آیه ۵۱.
۴۰. همان، فصل ۶، آیه ۵۲.
۴۱. میلر، تفسیر انجیل یوحنا، ۱ / ۱۶۰.
۴۲. همان، ۱ / ۱۶۱.
۴۳. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۳۰ / ۲۲۶.
۴۴. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، ۳۰ / ۱۵۲.
۴۵. آلوسی، روح المعانی، ۳۰ / ۱۴۴ - ۴۵.
۴۶. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۲۴ / ۱۴۴؛ آلوسی، محمود، روح المعانی، ۱۹ / ۹۷.
۴۷. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل یوحنا.
۴۸. میلر، تفسیر انجیل یوحنا، ۱ / ۴۴ - ۴۵.
۴۹. کتاب مقدس، عهد جدید، سفر لاویان، فصل ۱۲، آیه ۲۲.
۵۰. کتاب مقدس، عهد جدید، سفر لاویان، فصل ۱۲، آیه ۲۲.
۵۱. بارلکی، ولیم، تفسیر العهد الجديد (انجیل مرقس) ترجمه فهیم عزیز / ۱۱ - ۱۲.
۵۲. براون، کالین، فلسفه و ایمان مسیحی، ترجمه میکائیلیان / ۴۹.
۵۳. آلبرت آوی، سیر فلسفه در اروپا ترجمه علی اصغر حلبی / ۲۵۵؛ فلاسفه بزرگ / ۱۵۷.
۵۴. یاسپرس، کارل، اسپینوزا، ترجمه محمد حسن لطفی / ۱۲۷.
۵۵. عویضه، کامل محمد محمد، الاعلام من الفلاسفة (اسپینوزا) / ۱۵۰.
۵۶. یاسپرس، کارل، اسپینوزا / ۱۲۹.
۵۷. پل ریکور، رسالت هرمنوتیک، ترجمه فرهادپور و ابادری، فرهنگ، ۴ - ۵ / ۲۶۶.

۵۸. همان / ۲۶۷.
۵۹. میرچا الیاده، هرمنوتیک، ترجمه داوری، فصلنامه معرفت شماره ۲۲ / ۸۶.
۶۰. پل ریکور، رسالت هرمنوتیک، فرهنگ، ۴ - ۵ / ۲۶۸.
۶۱. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه خرمشاهی / ۱۳۱.
۶۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناہل العرفان، ۲ / ۵۱ - ۵۳.
۶۳. همان، ۲ / ۳.
۶۴. فرهادپور، حلقه انتقادی / ۱۶۸.
۶۵. همان / ۱۴.
۶۶. احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، ۲ / ۵۷۱.
۶۷. مجتهد شبستری، محمد، هرمنوتیک کتاب و سنت / ۱۶ - ۱۷.
۶۸. همان / ۲۲ - ۲۳.
۶۹. همان.